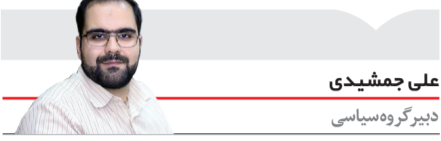


فرهیختگان



علی جمشیدی

دبیر گروه سیاسی

بسا وجود اینکه برخی تصور می‌کنند همه‌گیری کرونا و نهایتا تصمیماتسی ازجمله قرنطینه‌به و کاهش فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی باعث سایه انداختن یک رکود سراسری بر جهان شده، همچنان سرعت تحولات در اقصی نقاط جهان حتی در حاشیه همان همه‌گیری آتقدر بالااست که رسیدن به آنها، مطالعه هرکدام و تخمین اثرات و تبعاتش از چندان ساده‌ای نیست. همین کرونا که یک وجه آن قرنطینه است، توانسته شئون مختلف فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی بسیاری از کشورها را تحت‌تاثیر قرار دهد و همین مساله تحولات قابل‌توجهی را سلسله‌وار در جهان ایجاد کرده است، حالا گوشه ذهن‌تان این تحولات را با انفساق بزرگی مانند کاهش بی‌سابقه قیمت جهانی نفت خام و پیسرو آن برخی دیگر از فرآورده‌های نفتی، کنار هم بگذارید و تصور کنید این دو با هم چه اثر تصادعی و گسترده‌ای می‌تواند بر خرد و کلان اقتصاد کشورهای جهان و حتی بر کنش‌های سیاسی، حقوقی و حتی نظامی آنها داشته باشد. در این شرایط و به‌زم برخی کارشناسان باید بگوییم بحرانی چندبعدی جهان را درنوردیده و اثرات کم و زیادی بر کشورهای مختلف گذاشته است، برخی بیشتر آسیب دیده‌اند، برخی کمتر، برای برخی فرصتش بیشتر بوده و برای برخی دیگر تهدید آن و...، خلاصه امر اینکه یک معادله پیچیده و حتی عجیب و غریب اکنون پیش‌روی کسانی قرار دارد که می‌خواهند وضعیت ایران و جهان را تحلیل کنند و تخمین بزنند در آینده نزدیک یا دور چه اتفاقاتی خواهد افتاد و جهان به کدام سو حرکت خواهد کرد.

اگر شماره‌های یکی دو هفته اخیر «فرهیختگان» را دنبال کرده باشید، حتما دیده‌اید که ما تلاش کرده‌ایم این موضوعات را با کارشناسان مختلف از اقتصاددانان، سیاستمداران و البته بیشتر کسانی که با هر دو عینک اقتصاد و سیاست به مسائل می‌نگرند، موردبحث قرار دهیم و تحلیل‌هایشان را شنیده و جمع‌بندی کنیم. در همین مسیر یکی از کسانی که نظرات قابل‌تاملی دارد، سعید لیلاز است. او عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی و ازجمله افرادی است که هرچند در دولت سمت رسمی ندارد، اما دسترسی به گوش‌هایی در پاستور دارد که شنوای حرف‌های وی هستند، هرچند به قول خود لیلاز، به این حرف‌ها توصیه‌ها عمل نکرده‌اند. حالا با او به گفت‌وگو نشستیم‌ایم و اثرات بحران کرونا، کاهش نرخ نفت و... بر ایران، آمریکا و برخی کشورهای منطقه را به بحث گذاشته‌ایم که مشروح آن در ادامه آمده است.

۴ تا ۵ درصد تولید ناخالص ایران در اثر کرونا از بین می‌رود

از دید شما بحرانی که در اثر اپیدمی کرونا در ایران اتفاق افتاد، به چه میزان و در چه سطوحی به اقتصاد کشور ضربه وارد کرد؟ آیا شما بر سر همان پیش‌بینی قبلی خود هستید و یا رقم‌های متفاوتی را امروز پیش‌بینی می‌کنید؟

بررسی شواید، اطلاعات و آمار و داده‌های اقتصادی و اجتماعی هم در ایران و هم در بقیه کشورهای دنیا نشان می‌دهد واقعا ماجرای همه‌گیری ویروس کرونا جدی است و نمی‌توان با برخی تحلیل‌های مقطعی از کنار آن گذشت. بنده براساس اطلاعات و داده‌های پیشین در اوایل اسفند برآورد کرده بودم که به میزان دو تا سه درصد تولید ناخالص ایران در اثر کرونا از دست می‌رود و این نکته را هم بیان کردم که این تخمین درصورتی دقت بالایی خواهد داشت که درگیری با اپیدمی کرونا تا اردیبهشت از بین برود و مساله حل شود ولی اکنون که همچنان در نقاطی از کشور درگیری با این بیماری ادامه دارد، حدس می‌زنم موضوع قدری جدی‌تر است و آثار بیشتری دارد. بخشی از این آثار و تبعات مربوط به دولت می‌شود، در این مورد گفته شده که دولت حداقل ۱۰۰ هزار میلیاردتومان برای مقابله با این ویروس اعتبار گذاشته است.

خب، این رقم نزدیک به سه‌درصد تولید ناخالص داخلی ایران است. خود این عدد به‌تنهایی کسری بودجه را افزایش می‌دهد و طبعاً مشکلاتی را به همراه دارد. از سوی دیگر برآورد می‌شود دولت ۳۰ تا ۴۰ هزار میلیاردتومان عدم تحقق درآمد مالیاتی به‌خاطر کرونا داشته باشد و این هم خسارت مضاعفی است که به دولت وارد می‌شود. از طرف دیگر در کشور تاکنون حدود ۱۰۰ هزار نفر به این ویروس مبتلا شده‌اند و این آمار کسانی است که از خدمات درمانی رایگان دولت بهره‌مند شده‌اند و این هم به‌بودجه دولت فشار وارد می‌کند و درعین حال هزینه‌های پاکسازی و ضدعفونی کردن و حفظ بهداشت هم به اضافه شده است. ازاین‌رو با توجه به این مباحث من تصور می‌کنم آثار این ویروس بر اقتصاد ایران قابل‌توجه است و احتمالا چهار تا پنج درصد تولید ناخالص داخلی ایران را از بین می‌برد و این عدد مهمی است ولی درعین حال باید به این نکته هم اذعان کرد که شواهد نشان می‌دهد فشار این ویروس بر اقتصاد ایران کمتر از کشورهای مشابه خواهد بود.

بحران کرونا و کاهش قیمت نفت نهایتا به سود ایران خواهد بود

این خسارت ۴-۵ درصدی که بیان کردید از قضا با مساله دیگری هم همزمان شده و آن ماجرای کاهش قیمت نفت است. کشور امروز تحت تحریم است و قاعدتا مشکلات زیادی از این منظر داریم، باوجوداین، قریب ۱۵۰ هزار میلیارد تومان در بودجه امسال برای نفت و درآمد آن پیش‌بینی شده بود. آیا با وجود این دو مساله مشکلات ایران دوچندان می‌شود؟

سعید لیلاز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» وضعیت فعلی اقتصاد در شرایط کرونا و کاهش قیمت نفت را تحلیل کرد

مصالحه با آمریکانه منطق سیاسی دارد نه اقتصادی

من تصور نمی‌کنم سقوط قیمت جهانی نفت آثار تعیین‌کننده‌ای روی اقتصاد ایران بگذارد، به‌دلیل اینکه صادرات نفت ایران پس از تحریم‌ها به حدود خیلی کمی رسیده بود و به‌نظرم این سقوط قیمت شاید حدود پنج تا ۶ میلیارد دلار از درآمدهای ارزی ایران را در مجموع بتواند کم کند که این رقم به‌سادگی برای ما قابل‌جبران است.

در این باره بنده بحث مهم دیگری دارم. من معتقدم به‌طور کلی تاثیر نهایی ویروس کرونا و همچنین سقوط قیمت جهانی نفت خام به نفع جمهوری اسلامی خواهد شد. معتقدم به لحاظ ژئوپلیتیک این اتفاقات نهایتا به نفع ایران است، چون تقریبا تمام رقبای ایران را از کار انداخته است. عربستان و روسیه در حوزه اقتصادی و سیاسی با ایران رقابت دارند، درمورد ایالات‌متحه آمریکا این رقابت در حوزه سیاسی و نظامی است و حالا تقریبا همه اینها از کار افتاده‌اند. یعنی آسیبی که سقوط قیمت جهانی نفت خام به عربستان می‌زند حداقل به‌نظر من ۳۰ تا ۴۰ برابر ایران است. این کاهش بین‌المللی قیمت نفت خام درحال حاضر و در نگاه کلان به نفع ماست. از طرف دیگر و در یک نگاه کلی به‌نظر می‌رسد آمریکایی‌ها در منطقه تا حد قابل‌توجهی زمین‌گیر شده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید تحرک نظامی واحدهای عملیاتیسی ایران در خلیج فارس به‌مراتب بیشتر از گذشته است و این هم از آثار شیوع ویروس کروناست. من فکر می‌کنم اقتصاد جهان و به‌ویژه آمریکا به‌دلیل اپیدمی ویروس کرونا و همین‌طور به‌علت سقوط قیمت نفت تا مدت‌ها تحت‌فشار و تاثیر کرونا خواهد بود و این مساله سبب می‌شود هرگونه امکان ایالات‌متحده برای ایجاد یک تشنج نظامی در منطقه تضعیف شود.

من تصور نمی‌کنم سقوط قیمت جهانی نفت آثار تعیین‌کننده‌ای روی اقتصاد ایران بگذارد، به‌دلیل اینکه صادرات نفت ایران پس از تحریم‌ها به حدود خیلی کمی رسیده بود و به‌نظرم این سقوط قیمت شاید حدود پنج تا ۶ میلیارد دلار از درآمدهای ارزی ایران را در مجموع بتواند کم کند که این رقم به‌سادگی برای ما قابل‌جبران است.

کاهش نرخ نفت به عربستان ۳۰ برابر ایران آسیب می‌زند
در این باره بنده بحث مهم دیگری دارم. من معتقدم به‌طور کلی تاثیر نهایی ویروس کرونا و همچنین سقوط قیمت جهانی نفت خام به نفع جمهوری اسلامی خواهد شد. معتقدم به لحاظ ژئوپلیتیک این اتفاقات نهایتا به نفع ایران است، چون تقریبا تمام رقبای ایران را از کار انداخته است. عربستان و روسیه در حوزه اقتصادی و سیاسی با ایران رقابت دارند، درمورد ایالات‌متحه آمریکا این رقابت در حوزه سیاسی و نظامی است و حالا تقریبا همه اینها از کار افتاده‌اند. یعنی آسیبی که سقوط قیمت جهانی نفت خام به عربستان می‌زند حداقل به‌نظر من ۳۰ تا ۴۰ برابر ایران است. این کاهش بین‌المللی قیمت نفت خام درحال حاضر و در نگاه کلان به نفع ماست.

از طرف دیگر و در یک نگاه کلی به‌نظر می‌رسد آمریکایی‌ها در منطقه تا حد قابل‌توجهی زمین‌گیر شده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید تحرک نظامی واحدهای عملیاتیسی ایران در خلیج فارس به‌مراتب بیشتر از گذشته است و این هم از آثار شیوع ویروس کروناست. من فکر می‌کنم اقتصاد جهان و به‌ویژه آمریکا به‌دلیل اپیدمی ویروس کرونا و همین‌طور به‌علت سقوط قیمت نفت تا مدت‌ها تحت‌فشار و تاثیر کرونا خواهد بود و این مساله سبب می‌شود هرگونه امکان ایالات‌متحده برای ایجاد یک تشنج نظامی در منطقه تضعیف شود.

آسیب کرونا بر اقتصاد آمریکا بیشتر از خسارت سال ۲۰۰۸ است

این نکته‌ای که شما ذکر کردید، بحث قابل‌تاملی است. آیا شما معتقدید فشاری که امروز ایالات‌متحده تحمل می‌کند، بیشتر از فشار و آسیب‌های ناشی از اتفاق سال ۲۰۰۸ است؟ و اساسا آیا خسارت امروز نسبت به اقتصاد بسیار بزرگ ایالات‌متحده به چشم خواهد آمد؟

بله، اطلاعات و آمارهای موجود گویای همین نکته است. اگر شما امروز به آمارهای منتشرشده از درون آمریکا توجه کنید، خواهید دید که برآوردها از بیکاری جمعیت ۲۵ میلیون نفری در ایالات‌متحده حکایت دارد. این عدد معادل ۱۵-۱۴ درصد نیروی کار آمریکاست. اگر این اعداد را با گذشته مقایسه کنیم، خواهیم دید درصد بیکاری به‌مراتب بیشتری از بحران ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ است. نرخ بیکاری در آمریکا در سال ۲۰۱۲ در بدترین روزهای بحران ۹ درصد بود که از قضا همین مساله هم باعث شد اوپاما پیروز انتخابات شود و روی کار بیاید و جمهوری خواهان انتخابات را واگذار کنند.

الان نه فقط کرونا این نرخ بیکاری را بیشتر کرده بلکه مساله این است که در آمریکا کاهش شدید درآمدهای نفتی هم بیش از ۱۰ میلیون شغل (که حتی برخی آن را ۱۵تا میلیون هم تخمین می‌زنند) را تحت‌تاثیر قرار داده و میلیون‌ها شغل را از بین می‌برد. ازاین‌رو من فکر می‌کنم آمریکا با یکی از بدترین بحران‌های خود بعد از بحران دهه ۱۹۳۰ روبرو است، یعنی شدت آسیب و خسارات ناشی از کرونا از بحرانی به نام بحران سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ جلو زده است.

کرونا نیروی دریایی آمریکا را از کار انداخته است
ضمن اینکه ویروس کرونا به لحاظ عملیاتی نیروی نظامی آمریکا را در دریاها از کار انداخته، این نکته مهمی است که از چشم کارشناسان نظامی و متخصصان ژئوپلیتیک هم دور نمانده است. الان واحدهای دریایی آمریکا تا حد زیادی از کار افتاده‌اند.

تحریم جلوی ضربه کاهش نرخ نفت به ایران را گرفته است/ کمتر از هر زمان دیگری نیاز به مصالحه با آمریکا داریم شاید این وضعیت وقتی به روسیه و عربستان منتقل شود برای آنها چالش‌هایی را ایجاد کند، اما برخی معتقدند درآمدهای سرشار نفتی در گذشته و اقتصاد بدون تحریم و دیگر امکان‌ها

سیاست

سعید لیلاز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» وضعیت فعلی اقتصاد در شرایط کرونا و کاهش قیمت نفت را تحلیل کرد

سیاست



عکس، طالب شیخان اوسیدنگان

نداده است. ازاین‌رو ممکن است در اثر تحولات کنونی شما شاهد خروج آمریکا از خاورمیانه شوید. چون پایگاه انرژی جهان عوض خواهد شد. این را باید بفهمید که از این پس خاورمیانه پمپ‌بنزین دنیا نیست و این منجر به تحولات بسیاری مهمی خواهد شد که از دیدگاه بنده بیشتر این تحولات به نفع ایران خواهد بود تا به ضرر آن!

اگر اهمیت خاورمیانه از بین برود، همانند آثار آب‌گرفته کنار گذشته می‌شود، ایران غیرنفتی‌ترین اقتصاد نفتی دنیااست

در این مورد یک تئوری نژد برخی وجود دارد مبنی‌بر اینکه اگر در اثر کاهش توان تولید نفت شیل بر اثر کاهش قیمت نفت، آمریکا به خاورمیانه وابسته‌تر باشد، باز یگر متعهدتری خواهد بود. نظر شما چیست؟

در این صورت ایالات‌متحده بازبزرگ‌متعهدتری نسبت به دشمنان ایران خواهد بود، نه نسبت به دوستان ایران! شما عنصر نظام جمهوری اسلامی را نادیده می‌گیرید؟ ایران بدون جمهوری اسلامی قابل‌درک نیست. آمریکا تا الان به دوستان خود متعهد بوده و به دشمنان خود جنگ و دندان نشان داده است و می‌گوید که ببینید ما هم هستیم. این تحلیل و حرف کمک‌کننده نظر من بود، نه متضاد با نظر من.

دقت کنید اگر اهمیت خاورمیانه از بین برود، همانند آثار آب‌گرفته کنار گذشته می‌شود و ما با کشورهای منطقه تنها باقی می‌مانیم. در این شرایط ایران به‌مراتب مستقل‌تر و نیرومندتر می‌شود و اقتصاد آن بسیار خود‌کفاتر خواهد شد، چنانکه امروز هم همین‌طور است؛ چرا؟ چون من معتقدم ایران غیرنفتی‌ترین اقتصاد نفتی دنیااست. این هم حرف کمی نیست و لذا بهتر می‌توان روی پای خود بایستد و حرکت کند.

نیاز آمریکا به نفت و انرژی خاورمیانه هیچ‌گاه مثل امروز کم نبوده است

ادامه سوال قبلی را مطرح کنم. آثار کاهش قیمت باعث خواهد شد صرفه اقتصادی تولید نفت شیل در آمریکا از بین برود، این برآورد خود آمریکایی‌هاست که می‌گویند در نرخ‌هایی کمتر از ۲۷ تا ۲۸ دلار امکان تولید وجود نخواهد داشت. در این صورت آنها با مصرف سرسسام‌آور نفتی که هم‌اکنون دارند، نیازمند خاورمیانه و سوخت موجود در آن خواهند بود. این تئوری متناقض با نظر شما نیست؟

اگر آثار تحولات ژئوپلیتیک نفت را پیگیری کنیم، به‌نتایج دقیق‌تری خواهیم رسید. در ۱۰ سال گذشته بین هشت تا ۱۰ میلیون بشکه نفت خام به تولید نفت آمریکا اضافه شده است. به‌گونه‌ای که الان آمریکا صادرکننده نفت است و صادرکننده خالص گاز در دنیااست، چیزی پس از مصالحه انتظار شما را نمی‌کشد.

خاورمیانه هرگز به کمی الان نبوده و علت سقوط قیمت نفت خام جهانی هم همین است.

زمانی تصور می‌کردیم اگر صادرات نفت ایران متوقف شود، دنیا کن‌فیکون می‌شود و نفت به ۲۰۰ دلار هم می‌رسد، درحالی‌که ظرف ۱۰ سنال گذشته هشت میلیون بشکه به تولید نفت آمریکا اضافه شده و بازار دیگر نیاز آنچنانی به نفت ایران از خود نشان نداده است.

با وجود رشد اقتصادی، مصرف انرژی اروپا در اثر افزایش توان تکنولوژی، طی ۱۰ سال گذشته ثابت بوده درمورد برآورد ۲۷ دلار برای مقرون‌به‌صرفه‌بودن تولید نفت شیل، نظرتان چیست؟

آمریکایی‌ها وقتی تولید این نوع نفت را آغاز کردند، قیمت مقرون‌به‌صرفه برای هر بشکه‌ا از آن ۷۵ تا ۸۰ دلار بود، اما الان این رقم به‌مراتب کمتر شده است. علت آن هم چیزی نیست جز پیشرفت تکنولوژی که توان تولید ارزان‌تر را به آمریکا داده است.

بنابراین وقتی شما از تکنولوژی صحبت می‌کنید به یک ابزار بسیار پرقدرت اشاره کرده‌اید، اگر تکنولوژی فهمیده و درک نشود، قدرت و تشخیص دقیق مسائل در سطح جهان میسر نخواهد بود. یک مثال دیگر بزمن؛ مصرف نفت یا بهتر بگویم مصرف انرژی اولیه اروپا در ۱۰ سال گذشته مقدار ثابتی بوده است، اگرچه که این کشورها پیشرفت کرده و صنایع خود را نیز گسترش داده‌اند. این



به چه مناسست؟ بدین مناسست که افزایش رشد اقتصادی آنها هیچ اثری روی مصرف انرژی نگذاشته و علت آن هم افزایش توان تکنولوژیکی این کشورهاست.

پایگاه عرضه انرژی جهان درحال تغییر است. یک حوزه گازی بزرگ معادل ۶۰ درصد کل حوزه پارس اعم از جنوبی و شمالی، اخیرا بین قبرس و سرزمین‌های اشغالی فلسطین کشف شده است. این حوزه وابستگی گاز اروپا به روسیه را صفر می‌کند. اینها تحولات بسیار بزرگی است، یعنی هم روسیه و هم خاورمیانه از کار می‌افتند و همه اینها به نفع ایران است و من معتقدم تحولات آینده به نفع ایران خواهد بود.

تا حدامکان باید به سمت اقتصاد غیروابسته به دنیای خارج برویم

درمیان توضیحاتی که گفتید، درباره انتخابات آمریکا و پیروزی اوپاما در اثر مشکلات اقتصادی سال ۲۰۰۸ هم نکته‌ای را تشریح کردید. با اتفاقی که الان افتاده، اگر همان‌طور و براساس همان منطق نتیجه‌گیری کنیم باید بگوییم که ممکن است کرونا و نفت روی انتخابات اکتبر آینده آمریکا اثر بگذارد. آیا شما چنین نظری دارید؟

من متخصص مسائل داخلی آمریکا نیستم و ساختار داخلی آمریکا را نمی‌شناسم ولی آنچه از شواهد می‌بینم، نفوذ ترامپ کاهش داشته است و ممکن است این وقایع بر انتخابات ایالات‌متحده هم اثر بگذارد. آنچه این روزها خودشان بیان می‌کنند این است که آن اطمینان قطعی درباره پیروزی مجدد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری که قبل از کرونا مورد‌تاکید همه بود، حالا دیگر با آن شدت و حدت وجود ندارد. حداقل این را می‌توانیم بیان کنیم. ازاین‌رو همین عباری که امروز در فضای سیاسی آمریکا ایجاد شده، دوباره این نوید را به ما می‌دهد که باید مقاومت و صبر کنیم و امید زیادی داشته باشیم تا مسائل درست شوند. با توجه به این، بنده معتقدم تا جایی که ممکن است الان باید داخل را محکم کنیم و به‌سمت اقتصاد تا حد امکان غیروابسته به دنیای خارج برویم و یا این وابستگی را متقابل کنیم. البته من با وابستگی مخالف نیستم، یا وابستگی یکطرفه مخالف هستم.

همچنان معتقدم تحریم مشکل اصلی ایران نیست مدیریت مساله اصلی ماست

علت اینکه ترکیه وارد ائتلاف ضدایرانی در اقتصاد نمی‌شود، این نیست که آنها به ما عشق می‌ورزند یا مسلمان هستند. علت این است که آنها به ما احتیاج دارند و تا وقتی این‌طور باشند ترکیه با هرگونه فشار علیه ایران مخالفت خواهد کرد. بنابراین این منطق هم باید این وابستگی به خودمان را ۱۰ برابر کنیم. اگر این کار را انجام دهیم، ایران غیرقابل تحریم می‌شود، گرچه من همچنان بنابر اعتقاد ۲۵ سال اخیرم، معتقدم که ایران هیچ‌گاه مشکل جدی از بابت تحریم نداشته و مساله و مشکل ما تنها مدیریت است.

هرطور شده باید ۴ دهک پایین جامعه را حمایت کنیم/ پیشنهادهای کم‌دولت کوبن کالا‌های اساسی بدهد

نسکات مهم و امیدوارکننده‌ای بیان کردید. در بخش یابانی مصاحبه می‌خواهم از شما درمورد الزامات و اقدامات ضروری برای تحقق همین آینده‌ای که شما تصویر کردید، برسرم. در کوتاه‌مدت و بلندمدت از نظر اقتصادی باید چه کار کرد تا بتوانیم از این فرصت بهره‌برداری کنیم؟

ما باید افراد فرودست جامعه خود را تحت‌حمایت قرار دهیم. این اطمینان را حاصل کنیم که شرایط آنها بدتر نخواهد شد. این مطلب را قبلا به دولت روحانی پیشنهاد کرده بودم و معتقدم ایران باید در چشم‌انداز آنی کوبن کالا‌های اساسی به مردم بدهد؛ به‌خصوص الان و با مشکلات ناشی از اپیدمی کرونا ضرورت این اقدام بیش از گذشته شده است. اگر طبقات فرودست و به‌عبارت دقیق‌تر سه یا چهار دهک پایین جامعه را به‌صورت جدی حمایت کنیم، همانند کمرنبندهایی که وزنه‌بداران موقع بالا بردن وزنه می‌بندند، دراین‌صورت ایران هیچ‌گاه بی‌ثبات نخواهد شد.

شورش‌های ۲۵ تا ۲۸ ناشی از بی‌توجهی به همین توصیه من به حکومت و دولت بود، چرا که دیدید اعتراض حاشیه به متن شکل گرفت. لذا ما باید این حاشیه را جمع کنیم. علاوه‌بر این باید تلاش کنیم اقتصاد کشور را به‌سمت اقتصاد آزاد در داخل بکشانیم که فارغ از هرگونه رانتی باشد. بایرانت‌زدایی در اقتصاد ایران صورت گیرد، رانت‌زدایی جز با آزادسازی امکان‌پذیر نیست. یکی از مشکلاتی که جناح‌راست در ایران به‌لحاظ نظری دارد، این است که می‌خواهد بدون اینکه رانت‌ها را از بین ببرد، با فساد مقابله کند. این بحث عملی نیست. بدون آزادسازی هرگز عملیات مقابله با فساد در کشور موفق نخواهد بود. باید تلاش شود به‌سمت آزادسازی، حمایت‌از تولید داخلی و ساخت داخلی کردن اقتصاد حرکت کنیم. همان کاری که اقتصاد ایران در دوسال اخیر با بخش کشاورزی انجام داد، چون قیمت محصولات یکباره پنج برابر شد، اقتصاد ایران در حوزه کشاورزی یکباره شکوفا شده است و لذا همین اتفاق باید برای بقیه اقتصاد ایران هم رخ دهد که موضوع مفصل‌تری برای صحبت است.

این به معنای افزایش تورم نیست؟

تورم راه و مسیری جز رشد نقدینگی ندارد و این اشتباه علمی بزرگی است که برخی می‌کنند. یا باید جلوی رشد نقدینگی را بگیرید یا اگر نمی‌توانید جلوی رشد را بگیرید، اجازه ندارید قیمت‌ها را سرکوب کنید که این باعث رانت می‌شود و رانت هم درد درست می‌کند.

این موضوع هم مساله جالب‌توجه دیگری است و می‌طلبد که در فرصتی دیگر با شما گفت‌وگو کنیم.